

عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی

علی مؤیدی^۱

تاریخ دریافت ۹۷/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۲۰

چکیده

اعتقاد به ظهور امام مهدی عجله الله تعالی فرجه الشریک در پایان بخشیدن و رهایی بشریت خصوصاً مسلمانان از ظلم و مشکلات دنیوی موجب شده که مدعیان دروغین در طول تاریخ از این آرمان نجات بخش برای رسیدن به تمایلات نفسانی خود بهره ببرند و جریانات انحرافی و انشعابات مذهبی را به وجود آورند. عوامل متعددی در پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت نقش دارند که در این مقاله به عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی از منظر فرهنگی پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: عوامل پیدایش مدعیان، جریانات انحرافی، مدعیان دروغین مهدویت،

متمهدیان

مقدمه

یکی از مهمترین اعتقادات مسلمانان اعم از شیعه و سنی، اعتقاد به مهدویت است به این معنا که از نسل حضرت محمد ﷺ و دخترش فاطمه ﷺ، شخصی همانام با پیامبر که لقبش مهدی ﷺ می‌باشد، در آخرالزمان ظهور می‌کند و زمین را پس از فراگیر شدن ظلم و ستم، پر از قسط و عدل می‌کند. و ظهور او به معنای پایان یافتن تمام مشکلات و مصائب بشری می‌باشد و همه از رفاه اقتصادی و برکات و مواهب دنیوی بهره مند می‌شوند. به همین سبب مهدویت یکی از مهمترین فرصت‌ها به جهت نجات بشریت و امیدبخشی به منتظران ظهورش جهت صبر و تحمل نارسایی‌ها می‌باشد و همچنین از جذابیت بالایی برای جذب اقشار مختلف جامعه برخوردار می‌باشد. خصوصاً هر زمان که فشار سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره بر مسلمانان خصوصاً اقلیت شیعه افزایش یافته است، سخن از مهدویت جذابیت بیشتری داشته است. لذا دنیاطلبان و ریاست‌طلبان از این فضا نهایت استفاده را می‌کنند و با طرح ادعای مهدویت و یا بابیت و غیره جمعی را به خود جذب کرده و جریانات انحرافی را شکل می‌دهند و هر روز انشعاب و افتراق جدیدی در مذاهب اسلامی ایجاد می‌کنند و جنگ‌ها و مشکلات و مصائب دنیوی و معنوی برای امت اسلامی ایجاد می‌کنند. لذا به جهت پیشگیری از به وجود آمدن جریانات انحرافی در حوزه مهدویت ضروری است که عوامل و بسترهای پیدایش این جریانات شناخته شود تا بتوان در مقابله با آنان، ابزارها، شیوه‌ها و راهکارهای متناسب و پیشگیرانه ارائه کرد. از آن جایی که یک مقاله ظرفیت پرداخت به همه عوامل و زمینه‌ها را دارا نمی‌باشد، در این مقاله به جهت اهمیت، اولویت و گستردگی حوزه فرهنگی، فقط به عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت از منظر فرهنگی پرداخته شده است. روش کار، بدین شکل است که با مطالعه جریانات و فرقه‌های مختلف و سپس تأمل در آنها عوامل و زمینه‌ها، استخراج شده‌اند. در مطالعه جریانات انحرافی بیشتر از دو کتاب «مهدیان دروغین» نوشته رسول جعفریان و کتاب «شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانات انحرافی مهدویت» نوشته حسین حجامی، استفاده شده است.

پیشینه

در زمینه عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی و مدعیان دروغین، در لابلای برخی کتب مطالبی مرتبط با این بحث ارائه شده و مقالاتی نیز به نگارش درآمده، از جمله: کتاب «پیچک انحراف»، نوشته جواد اسحاقیان، در ابواب مختلف کتاب، به عوامل و زمینه‌های گرایش مردم به جریانات انحرافی و نیز عوامل انحراف مدعیان و پیروان آنها اشاره شده است. کتاب دیگر، «قبیله تزویر؛ بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» نوشته امیر محسن عرفان است. در فصل دوم این کتاب، نویسنده به بیان عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و چرایی گرایش مردم به آنان پرداخته است. وی عوامل پیدایش مدعیان دروغین را در سه عامل: عوامل زمینه ساز، تسهیل کننده و شتاب زا، بررسی می‌کند. همچنین ایشان مقاله‌ای در همین زمینه با عنوان «بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان» نوشته است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغرا» نوشته طیبه نقی پور و خدامراد سلیمیان، در این زمینه به نگارش درآمده، در پاسخ به این پرسش که چه عواملی بر فرایند شکل‌گیری و اضمحلال انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغرا، تأثیرگذار بوده و چه پیامدهایی داشته‌اند. بازخوانی و بررسی سه گروه: عوامل زمینه‌ساز، ادامه‌دهنده و انحطاط، و سرانجام پیامدها؛ این پژوهش را شکل داده است.

امتیاز این مقاله این است که بطور جزئی‌تر فقط از منظر فرهنگی و نیز تعداد بیشتری از عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی را مورد بررسی قرار داده است.

عوامل و زمینه‌های فرهنگی پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت

در جهان هستی، هر پدیده‌ای در صورت فراهم بودن بسترها و زمینه‌ها و نیز عوامل مناسب و مقتضی، پا به عرصه وجود می‌گذارند. در مورد فرقه‌ها و جریانات انحرافی نیز تا بسترها و عوامل متناسب فراهم نباشد، این جریانات بوجود نمی‌آیند. در مورد اندیشه مهدویت نیز مشاهده می‌شود که در طول تاریخ، دهها جریان انحرافی شکل گرفته است

که ضرورت دارد بررسی شود که زمینه‌ها و عوامل بوجود آورنده این حرکت‌ها چه بوده تا از این طریق بتوان راهکارها و راهبردهای مبارزه با این انحرافات را عملیاتی کرد. عوامل و زمینه‌های پیدایش جریانات انحرافی متعدّدند و در یک تقسیم‌بندی می‌توان آنها را به عوامل و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تقسیم کرد. از آن جایی که فرهنگ، بسترساز همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و اهمیت و اولویت نسبت به سایر عرصه‌ها دارد و به جهت گستردگی عوامل و زمینه‌ها، در این مقاله به عوامل و زمینه‌های فرهنگی بسنده کردیم. این عوامل و زمینه‌ها، برخی عام و فراگیر هستند یعنی در مورد پیدایش همه جریانات انحرافی دخیل هستند از جمله در حوزه مهدویت، مانند: جلوگیری از تدوین احادیث نبوی ﷺ، جعل حدیث، عدم رجوع به متولیان دینی، برخی عوامل نیز مختص به پیدایش جریانات انحرافی در حوزه مهدویت هستند، مانند: توقیت، تطبیق علائم ظهور، ملاقات گرایی.

۱. جلوگیری از تدوین احادیث نبوی ﷺ

منع نقل احادیث پیامبر از زمان عمر تا زمان عمر بن عبدالعزیز و نیز به شکل ضعیف‌تر آن تا زمان منصور عباسی موجب شد، احادیث صحیح نبوی فراموش شود و زمینه جعل حدیث و سوء استفاده برای مدعیان و متمه‌دیان فراهم شود. هر چه از زمان صدر اسلام دورتر می‌شویم، تعداد احادیث نبوی افزایش پیدا می‌کند به حدی که احمد حنبل می‌گوید: ۷۰۰ هزار روایت صحیح شمارش کرده است. با این احوال، احادیث حسن، موثق و ضعیف را خدا می‌داند چه تعداد بوده است.

۲. جعل حدیث

حکومت‌های مختلف مانند بنی عباس و فاطمیون، با جعل احادیث ملاحم، درصدد مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بودند. داعیان اسماعیلیه برای گسترش هرچه بیشتر ادعای مهدویت «عبداللّه المهدی» در آفریقا، بر اساس بعضی روایات منسوب به اهل

بیت عليه السلام که ظهور مهدی از مغرب خواهد بود، روایاتی جعل کرده و پیش بینی می‌کردند ظهور، در سال غلبه فاطمیان بر آفریقا خواهد بود.^۱ جهت قیام عباسیان روایات فراوان- در مورد اینکه دعوت اهل بیت ع مشرقی و خراسانی است و پرچم‌هایشان سیاه و در سال ۱۳۰ قیامشان آشکار و یا به نام آنها نیز اشاره می‌شود- جعل می‌شود.^۲ مبلغان اسماعیلی نیز برای جلب اقوام بربر و بادیه نشین به مهدویت، احادیثی جعل کردند که طبق این احادیث، مهدی موعود از بین اقوام شیعه نشین ظهور خواهد کرد. بیشتر این احادیث، ظهور مهدی را از نواحی دور دست کشورها و کناره‌های سرزمین‌های آباد مانند «زاب» در آفریقا و «سوس» در مغرب تعیین می‌کرد.^۳

۳. استناد به اسرائیلیات

اسرائیلیات، اصطلاحی در معارف اسلامی، به ویژه در زمینه تفسیر و علوم حدیث، ناظر به روایات، قصص و مفاهیمی که نه در قرآن و احادیث نبوی، بلکه در تعالیم امت‌های پیشین به ویژه بنی‌اسرائیل ریشه دارند و حاصل جریان‌های است از داستان‌سرایی، اسطوره‌پردازی و وجوهی دیگر از تعالیم غیر اصیل که به ویژه در سده‌های نخست هجری توسط گروهی -بیشتر از یهودیان اسلام آورده- ساخته شده و به حاشیه آموزش‌های مسلمانان راه یافته است. عالمان اهل کتاب تازه مسلمانان، اخبار و پیشگویی‌های کتاب مقدس در مورد آینده جهان را با قوت میان مسلمانان مطرح می‌کردند، بطوری که بسیاری تصور می‌کردند، هر آنچه رخ می‌دهد، در کتاب مقدس، آمده است. از جمله کعب الاحبار بیان می‌کرد که: کشتار صفین در تورات آمده است و یا شاعری در شعرش، مهدی بودن «محمد بن حنفیه» را خبر تورات دانسته است، با اینکه شاعر کعب را ندیده و خبر را از او شنیده است، که بیانگر اعتماد کامل مسلمانان به درستی پیشگویی‌های کعب و سایر عالمان اهل کتاب می‌باشد.^۴

۱. قاضی نعمان، *افتتاح الدعوة*، ص ۷۳.

۲. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص ۶۰-۶۱.

۳. ابن خلدون، *تاریخ ابن خلدون*، ج ۱، ص ۳۲۸.

۴. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۳۷.

۴. عدم رجوع به متولیان و مراجع دینی

در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام، مرجعیت علمی و دینی مردم خود حضرات معصومین هستند. بر اساس حدیث متواتر ثقلین، تمسک به آنان موجب هدایت و دوری از گمراهی است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي»^۱ بنابراین اگر مردم در عصر حضور به آنان مراجعه می‌کردند، جذب جریانات انحرافی نمی‌شدند. جریانات انحرافی در حوزه مهدویت که در زمان ائمه علیهم‌السلام و به سبب عدم رجوع به آنان شکل گرفته‌اند، عبارتند از: ۱. فرقه سبائیه توسط «عبدالله بن سبا» بعد از شهادت حضرت علی علیه‌السلام، سال ۴۰ ق، شکل می‌گیرد. آنها قائل به غیبت علی علیه‌السلام و بازگشت او شدند و ادعا کردند که او نمرده است. آنها می‌پنداشتند که علی علیه‌السلام تا آخر الزمان باقی است و روزی خروج خواهد کرد و زمین را از عدل پر خواهد کرد؛ چنان که از ظلم پر شده است. ۲. فرقه کیسانیه، پیروان مختار بن ابی عیبه ثقفی، این فرقه پنداشتند که محمد بن حنفیه بعد از حسین بن علی علیه‌السلام امام و مهدی موعود علیه‌السلام است و در کوه رضوا به سر می‌برد و از آنجا ظهور و قیام خواهد کرد. ۳. فرقه یزیدیه، این گروه بر این عقیده هستند که یزید به آسمان صعود نموده و روزی بر می‌گردد و دنیا را پر از عدل و داد می‌کند. ۴. فرقه یزیدیه زمانی که زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب قیام خود را علیه امویان آغاز کرد، گفتند: چون او از نسل حسین علیه‌السلام است و قیام به سیف علیه ظالمان کرده و از سویی فرزند اسیر است، پس او مهدی موعود می‌باشد. ۵. گروهی از فرقه خرمیه پیروان بابک خرمی پنداشتند که ابومسلم خراسانی، همان کسی است که باید زمین را پر از عدل و داد کند؛ و کشته شدنش را به دست ابوجعفر منصور دوانیقی تکذیب نموده و به انتظار ظهورش بسر می‌بردند. ۶. فرقه جارودیه: محمد بن عبدالله، معروف به نفس زکیه را مهدی موعود دانسته‌اند. وی در سال ۵۱۴۵ ق، از مدینه ادعای مهدویت نمود و به وسیله منصور دوانیقی کشته شد. ۷. فرقه ناووسیه: معتقد به مهدویت امام صادق علیه‌السلام شدند و معتقدند زنده و غایب است. ۸. فرقه اسماعیلیه: گروهی از اسماعیلیه عقیده دارند که

۱. مفید، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۲۳۳.

اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام فوت نکرده است؛ او رجعت خواهد کرد و جهان را از عدل و داد پر خواهد ساخت و او را مهدی و قائم منتظر می‌دانند.^۱ همچنین بر اساس دستور ائمه علیهم السلام در عصر غیبت ایشان، مرجعیت علمی و دینی بر مردم، فقهاء و علماء امامیه هستند. چنانچه در توقیع حضرت مهدی علیه السلام آمده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۲ فقهاء امامیه مرجع مردم هستند در زمینه دین، حکومت، قضاوت و غیره و آنان حجت حضرت بر مردم هستند؛ یعنی روز قیامت امام مهدی علیه السلام با فقها بر علیه مردم احتجاج می‌کند که چرا در زمان غیبت در مسائل مختلف از جمله در مورد مدعیان دروغین و صحت و سقم ادعاهای آنان به فقها، رجوع نکردید. در بسیاری از جریانات دیده می‌شود به علت کوتاهی مردم و خواص به این مسأله، در عصر غیبت نیز جریانات انحرافی شکل گرفته‌اند.

۵. عدم شناخت معیارهای امامت

مدعیان در طول تاریخ از جهل و عدم شناخت معیارهای امامت از سوی مردم، سوء استفاده کرده‌اند و جریانات انحرافی را دامن زده‌اند. از جمله: انحراف اسماعیلیه بدین سبب بود که برخی شیعیان اعتقاد داشتند: امامت تعلق به فرزند ارشد امام دارد، لذا با مرگ اسماعیل، ادعای مهدویت و زنده بودن او را مطرح ساختند و جریان اسماعیلیه شکل گرفت.^۳ و یا مانند کیسانیه که بخاطر اینکه محمد بن حنفیه در جنگ جمل پرچمدار سپاه امیرالمؤمنین ع بود، قائل به امامت او شدند.^۴ در حالی که معیار امامت، نص، وصیت، معجزه، علم لدنی و عصمت است.

۶. عدم تخصص در برداشت از متون دینی بطور خاص مهدویت

در بسیاری از موارد خواص و پیروان آنان به جهت عدم تخصص کافی و برداشت

۱. نصوری، مقاله متمهدیان و مدعیان مهدویت (۱)، ص ۲۹۱.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۸۴؛ «و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به روایان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم.»

۳. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۲۵.

۴. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۱۸.

سطحی از متون دینی دچار انحراف شده‌اند. از جمله: علی یعقوبی بر اساس آیات سوره یوسف بر این باور است که برای رسیدن به ظهور امام مهدی عج، از یک زمانی فرهنگ انتظار به فرهنگ تحسّس باید تبدیل شود. او راز موفقیت فرزندان یعقوب علیهم‌السلام در یافتن یوسف علیهم‌السلام را تبدیل انتظار به تحسّس می‌داند: «یا بَنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ»^۱ او تحسّس را اینگونه معنا می‌کند: «تحسّس یعنی آن جستجویی که به حسّ کردن فرد مورد نظر منتهی شود و آدم محبوبش را حسّ کند.» او مبدأ شروع فرهنگ تحسّس را انقلاب اسلامی می‌داند. و یکی از ویژگی‌های فرهنگ تحسّس را اصلاح فرهنگ قانون گذاری می‌داند. وی معتقد است قوانینی که در دوران تحسّس نوشته می‌شود باید به تصویب امام زمان علیه‌السلام برسد. لذا معتقد است باید وزارتخانه‌ای به نام تحسّس تأسیس شود. و مهمترین وظیفه شیعه در این دوران را، پیروی از هادی یعنی شخص خودش می‌داند.^۲ در صورتی که بر اساس توقیع مبارک، تحسّس و مشاهده حسی حضرت برای عموم شیعیان، پس از خروج سفیانی و صیحه آسمانی امکان پذیر خواهد بود: «وَسَيَأْتِي شِيعَتِي مَنْ يُدْعِي الْمَشَاهِدَةَ أَلَا فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَالصَّيْحَةِ فَهُوَ كَاذِبٌ مُفْتَرٍ»^۳ همچنین بر اساس توقیع حضرت، وظیفه شیعه در عصر غیبت، رجوع به فقهاست نه شخص هادی و علی یعقوبی: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»^۴

در فرقه باقریه نیز عامل ایجاد این جریان انحرافی، برداشت سطحی از روایات نبوی بوده است؛ زیرا دلیل آنها بر مهدویت امام باقرع، ابلاغ سلام پیامبر از سوی جابر به ایشان عنوان شده است.^۵

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

۲. حجامی، *شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانه‌های انحرافی مهدویت*، صص ۳۲۶-۳۲۹.

۳. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*، ج ۲، ص ۵۱۶؛ «و به زودی کسانی نزد شیعیان من آیند و ادعای مشاهده کنند بدانید هر که پیش از خروج سفیانی و صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگوی افترا زنده است.»

۴. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمة*؛ ج ۲؛ ص ۴۸۴؛ «و اما حوادث واقعه، در باره آن مسائل به روایان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجت من بر شما هستند من نیز حجت خدا بر آنها هستم.»

۵. حجامی، *شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانه‌های انحرافی مهدویت*، ص: ۱۲۱.

۷. عدم شناخت و عدم توجه به نشانه‌های حتمی ظهور

ظهور حضرت نشانه‌های حتمی و غیر حتمی دارد که ایشان را از مدعیان متمایز می‌کند و در تمام جریانها بخاطر عدم معرفت و یا عدم التفات و توجه مردم به لزوم رخ دادن نشانه‌های حتمی ظهور، دچار انحراف گردیده‌اند. در همهٔ جریانات انحرافی اگر مردم از نشانه‌های حتمی ظهور، جهت معیارسنجی و نشانهٔ صدق و کذب متمدیان و جریانات انحرافی از مهدویت اصیل، بهره می‌برند، هیچگاه جریان انحرافی در حوزه مهدویت صورت نمی‌گرفت؛ زیرا تاکنون در هیچ یک از ادعاهای متمدیان، علائم حتمی ظهور یعنی صیحهٔ آسمانی، خروج یمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء و قتل نفس زکیه، رخ نداده است. چنانچه از امام باقر علیه السلام روایت شده: «وَإِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ صِيحَةَ مِنَ السَّمَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ»^۱ چنانچه در جریان انحرافی احمد اسماعیل بصری که مدعی است همان یمانی موعود است دیده می‌شود که علت پیدایش این جریان، عدم شناخت کافی پیروان نسبت به علائم حتمی ظهور است؛ زیرا طبق روایات، یمانی اهل یمن است و از آنجا خروج می‌کند، در حالی که او از اهالی بصره عراق است و از آنجا حرکتش را آغاز کرده است. و از طرف دیگر، نشانه‌های حتمی ظهور در یکسال رخ می‌دهند و در شش ماه قبل از قیام حضرت مهدی علیه السلام رخ می‌دهند، در حالی که مدعی یمانی بیش از ۱۶ سال ظهور کرده و خروج نظامی ناموفقی نیز در نجف داشته،^۲ ولی هنوز از سایر نشانه‌های حتمی ظهور خبری نیست. چنانچه از امام باقر علیه السلام نقل شده که خروج سفیانی، یمانی و خراسانی در سال، ماه و روز واحد است: «خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَ الْيَمَانِيِّ وَ الْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ نِظَامٌ كَنْظَامِ الْخُرَزِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا»^۳ همچنین از امام

۱. صدوق، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص: ۳۲۸؛ « و از علامات قیام او: خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از

یمن و صیحه آسمانی در ماه رمضان و ندای آسمانی است که منادی او را به نام خودش و نام پدرش می‌خواند.»

۲. حیدری آل کثیری، *مقاله بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمد الحسن)*، ص ۱۷۵.

۳. نعمانی، *الغیبه*، ص: ۲۵۵؛ «خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد با

نظام و ترتیبی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده هر یک از پی دیگری.»

صادق علیه السلام نقل شده است: «السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْمُحْتَمومِ وَ خُرُوجُهُ فِي رَجَبٍ وَ مِنْ أَوَّلِ خُرُوجِهِ إِلَى آخِرِهِ خَمْسَةَ عَشَرَ شَهْرًا سِتَّةَ أَشْهُرٍ يُقَاتِلُ فِيهَا فَإِذَا مَلَكَ الْكُورَ الْخَمْسَ مَلَكَ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ لَمْ يَزِدْ عَلَيْهَا يَوْمًا»^۱ طبق این روایت حرکت سفیانی در ماه رجب است که در طول شش ماه جنگ، پنج منطقه حمص، دمشق، فلسطین، اردن و حلب را تصرف می‌کند.^۲ و نه ماه بر آنها حکومت می‌کند. عدم شناخت این جزئیات سبب می‌شود که برخی حرکات مشابه را حرکت سفیانی یا یمانی محسوب کنند.

۸. تطبیق نادرست علائم الظهور

عده‌ای با خواندن یا شنیدن چند روایت در علائم ظهور، آن‌ها را بر افراد یا حوادثی تطبیق می‌دهند. البته خود تطبیق روایات بر حوادث، آفت و آسیب نیست، بلکه آفت، مطالب و ادعاهایی است که افرادی به صرف خواندن یک یا دو روایت و بدون بررسی آیات و روایات و مطالب تاریخی و قدرت تشخیص صحیح و سقیم روایات مطرح می‌کنند، یعنی بدون داشتن تخصص به اظهارنظر می‌پردازند. این تذکر لازم است که در روایات، تشخیص مؤلفه‌ها و علائم سپاه حق و باطل به عهده علمای راستین گذاشته شده است؛ همان‌ها که در عصر غیبت کبرا به عنوان «نواب عام» عهده‌دار امور گشته‌اند.

در طول تاریخ تطبیق نادرست علائم ظهور با برخی از رویدادها و اتفاقات از سوی خواص و افراد جامعه باعث شده که زمینه ایجاد جریانات انحرافی بوجود آید. از جمله در جریان انحرافی قحطانی، جهیمان با پیگیری روایات ملاحم و فتن بر این باور بود که آنان هم اکنون در آخرالزمان بسر می‌برند و برای نمونه ادعا می‌کرد که روایت ابی داود از پیامبر در مورد شخصی که به دروغ ادعا می‌کند فرزند پیامبر است، فتنه‌ای پدید خواهد آورد. جهیمان این شخص را بر حاکم حجاز یعنی شریف حسین تطبیق می‌داد و ادامه

۱. نعمانی، *الغیبة للنعمانی*، النص، ص: ۳۰۰؛ «سفیانی» از حتمیات است و خروج او در ماه رجب خواهد بود و از آغاز خروجش تا پایانش جمعا پانزده ماه است که در شش ماه آن جنگ و پیکار می‌کند، و چون شهرهای پنجگانه را به تصرف درآورد نه ماه فرمانروائی خواهد کرد، و یک روز هم بر آن افزوده نمی‌گردد».

۲. نعمانی، *الغیبة للنعمانی*، النص، ص: ۳۰۴؛ «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: إِذَا اسْتَوَلَى السُّفْيَانِيُّ عَلَى الْكُورِ الْخَمْسِ فَعَدُوا لَهُ تِسْعَةَ أَشْهُرٍ وَ زَعَمَ هِشَامٌ أَنَّ الْكُورَ الْخَمْسَ دِمَشْقُ وَ فِلَسْطِينُ وَ الْأُرْدُنُّ وَ حِمْصٌ وَ حَلَبٌ».

روایت را نیز بر اوضاع جاری در آن زمان تطبیق می‌کرد. برای نمونه اینکه در آخرالزمان، فتنه داخل هر خانه‌ای می‌شود را به ورود تصاویر به خانه‌ها تطبیق می‌داد.^۱

قاضی نعمان در کتابش شرح الاخبار، بیشتر اخبار مهدویت از جمله طلوع خورشید از مغرب را بر قیام عبیدالله فاطمی تطبیق می‌کرد. وی می‌گفت خورشید از مغرب نه طلوع کرده و نخواهد کرد؛ مراد از خورشید، مهدی است و درباره اشخاص هم کلمه «طلع من فلان» استفاده می‌شود.^۲ در دوره صفوی برخی از علمای اخباری شروع به تطبیق برخی روایات ظهور بر دولت صفوی کردند از جمله: تطبیق روایات ظهور مردی از شرق به ظهور شاه اسماعیل و اینکه این دولت به دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متصل خواهد شد.^۳ ابن تومرت دلیل ادعایش، استخراج حوادث آینده و ویژگیهای امام مهدی با علوم جفر و تطبیق آن بر خودش بوده که از آن چنین ظاهر شد که در اول سده ششم در اقصای شهر مغرب از شهر سوس پیدا می‌شود و مردم را به دین خود دعوت می‌کند.^۴ در برخی از موارد هم علائم ظهور ذوقی و بدون مبنای شرعی و عقلی تراشیده شده و ادعا شده که مقدمه ظهور است مانند طرح انتقال آب خزر به کویر.^۵ یکی از مباحث جنجالی در سالهای اخیر سی دی جنجالی ظهور نزدیک است که در آن بسیار ناشیانه به تطبیق افراد سرشناس پرداخته مانند اینکه شهید حکیم را نفس زکیه و احمدی نژاد را شعیب بن صالح، سید حسن نصرالله را سید یمانی و سفیانی را ملک عبدالله معرفی کرده بود.^۶

۹. عدم شناخت ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

به جهت عدم شناخت و یا عدم التفات به ویژگی‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از قبیل نام، نسب، ولادت، دوازدهمین و یا تسلط بر تمام زمین و عدالت فراگیر- موجب شده که

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۱۸۳.

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۳۲ و ۱۹۰.

۳. همان، ص: ۱۲۶-۱۲۷.

۴. همان، ص: ۱۹۵.

۵. همان، ص: ۲۸۴.

۶. همان.

برخی جریانات انحرافی شکل بگیرد. مانند محمد بن حنفیه که ویژگی‌های مهدوی از قبیل: نام، نسب و دوازدهمین نفر بودن از امامان را دارا نبود.^۱ ولی با این وجود، جریان کیسانیه معتقد به مهدویت او شدند. چنانچه قائلان به مهدویت امام حسن عسکری علیه السلام نیز به دلیل همین رویکرد دچار انحراف شدند. آنان استدلالشان این بوده که: امامت امام حسن عسکری علیه السلام اثبات شده، از سوی دیگر، اثبات شده زمین هیچگاه از حجت خالی نیست و حجت باید از نسل امام پیشین باشد؛ در حالی که امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی نداشته است. از این مقدمات دانسته می‌شود که ایشان از دنیا نرفته و همان مهدی موعود است.^۲ این فرقه به سبب عدم معرفت نسبت به ولادت امام مهدی علیه السلام و اینکه ایشان دوازدهمین امام است، بوجود آمد.

۱۰. توقیت

یکی دیگر از آسیب‌ها، تعیین وقت ظهور است. چرا که حکمت الهی بر این است که وقت ظهور امام زمان علیه السلام بر بندگان مخفی بماند. لذا احدی نمی‌تواند زمانی برای ظهور تعیین کند:

«مفضل بن عمر گوید: از آقا^۳ حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا مأموریت مهدی منتظر وقت معینی دارد که باید مردم بدانند کی خواهد بود؟ فرمود: حاشا که خداوند وقت ظهور او را طوری معین کند که شیعیان ما آن را بدانند. عرض کردم: آقا برای چه؟ فرمود: زیرا وقت ظهور او همان ساعتی است که خداوند می‌فرماید: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا؛ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً**^۴. و نیز این همان ساعتی است که خدا فرموده: **يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا**^۵ و هم فرموده: **إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ**^۶ یعنی: علم آن وقت فقط در نزد خداست ...

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانه‌های انحرافی مهدویت، ص ۱۱۸.

۲. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانه‌های انحرافی مهدویت، ص: ۱۲۸.

۳. سوره اعراف آیه ۱۸۷.

۴. سوره نازعات آیه ۴۲.

۵. سوره لقمان آیه ۳۴.

عرضکردم: آیا وقتی برای آن تعیین نشده؟ فرمود: ای مفضل! نه من وقتی بر آن معین می‌کنم و نه هم وقتی برای آن تعیین شده است! هر کس برای ظهور مهدی ما وقت تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته و (بناحق) ادعا کرده که توانسته است بر اسرار خدا آگاهی یابد!^۱

تعیین وقت ظهور به معنای تعیین سال ظهور و یا حتی قریب الوقوع بودن آن عامل ایجاد جریانات انحرافی بوده و هست از جمله شخصی بنام محمد بن جلال حسینی از طرف استادش مامور می‌شود تا به استخراج تاریخ ظهور بپردازد و او سلسله رویدادها را از سال ۹۵۰ که این گفتگو صورت گرفته تا سال ۱۲۱۴ که به نظر وی سال ظهور است پیشگویی کرده است.^۲

یکی از عوامل پیدایش بابیت دادن وعده ی قریب الوقوع بودن ظهور توسط شیخ احساسایی و سید کاظم رشتی بوده است بطوری که رشتی ادعا می‌کرد زود است پس از من امام غائب ظاهر گردد و روح امام در غالب شخص معینی ظاهر خواهد شد. می‌گفت بسا امام در میان شماها باشد و تاکید می‌کرد بر یکایک شماها لازم است شهرها را بگردد و ندای امام غائب را اجابت کند.^۳ همچنین ادعا می‌شود که طبق روایت امام باقر ع حروف مقطعه از الم بقره تا المر بشماری یک هزار دویست و شصت و هفت می‌شود و این مطابق است با یوم طلوع نیر اعظم از فارس.^۴

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال طابع علوم انسانی

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، صص ۱-۳، باب ۲۸؛ «عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سَأَلْتُ سَيِّدِي الصَّادِقَ عَ هَلْ لِلْمَأْمُورِ الْمُنْتَظَرِ الْمَهْدِيُّ ع مِنْ وَقْتٍ مُوَقَّتٍ يَعْلَمُهُ النَّاسُ فَقَالَ حَاشَ لِلَّهِ أَنْ يُوَقَّتَ ظُهُورُهُ بِوَقْتٍ يَعْلَمُهُ شَيْعَتُنَا قُلْتُ يَا سَيِّدِي وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّهُ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ تَقَلَّتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» الْآيَةَ وَ هُوَ السَّاعَةُ الَّتِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» وَ قَالَ «عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ» ... قُلْتُ أ فَلَا يُوَقَّتُ لَهُ وَقْتٌ فَقَالَ يَا مُفْضَلُ لَا أَوْقَّتُ لَهُ وَقْتًا وَ لَا يُوَقَّتُ لَهُ وَقْتٌ إِنْ مِنْ وَقْتٍ لِمَهْدِيْنَا وَقْتًا فَقَدْ شَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى فِي عِلْمِهِ وَ ادَّعَى أَنَّهُ ظَهَرَ عَلَى سِرِّهِ»

۲. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۲۶.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۳۰.

۴. همان، ص: ۲۳۶.

۱۱. ملاقات گرای

گرایش و علاقه مردم به ملاقات و دیدار حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه و از طرفی ادعای مدعیان مبنی بر ارتباط و ملاقات با حضرت موجب ایجاد جریان‌ات انحرافی می‌گردد. از جمله جریان محمود عرفانیان ادعای ارتباط می‌کرد و سوالات مردم نوشته و پاسخ آنها را از حضرت دریافت می‌کردند.^۱ و یا فریده گل محمدی آرمان ادعا می‌کند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه سال ۱۳۷۰ ه.ش به او خبر داده که نمی‌تواند ظهور کند.^۲ یکی از جریان‌ات انحرافی دیگر جریان سید حسن ابطحی است که مبنای کارش و انحرافش، گرایش افراطی به ملاقات و دیدار بوده و در این زمینه کتابی با نام ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌نویسد.^۳

۱۲. عدم معرفت به ویژگیهای غیبت کبری

غیبت کبری ویژگیهایی دارد که آن را با غیبت صغری متفاوت می‌کند و عدم شناخت آن ویژگیها باعث ایجاد انحراف شده است. از جمله با شروع غیبت کبری، نیابت خاصه و ارتباط رسمی با حضرت به پایان رسیده است، ولی با این وجود افراد فراوانی بخاطر عدم توجه به این نکته به مدعیان گرایش پیدا کرده‌اند؛ مانند علیمحمد باب شیرازی که ادعای بابیت و نیابت خاص داشت و یا اعتقاد به رکن رابع توسط شیخیه از همین قبیل است.^۴

۱۳. عدم درک صحیح از مفهوم انتظار

برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی، منحصر دانسته و بیش‌تر از آن، وظیفه‌ای برای خویش قائل نیستند. گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند. چون معتقدند: در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی بر عهده ندارند، و امام زمان عجل الله تعالی فرجه خود، هنگام ظهور کارها را اصلاح می‌کند. پندار گروه سوم چنین است که: جامعه بایستی به حال خود رها شود و

۱. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۳۵۰.

۲. همان، ص ۳۵۸.

۳. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۲۷۷.

۴. همان، ص: ۱۴۰.

کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور-که دنیایی پر از ظلم و فساد است- فراهم آید. گروه چهارم، انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آن‌ها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجّت هرچه بیش‌تر فراهم گردد. دیدگاه پنجم، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و برخلاف اسلام می‌داند و می‌گوید: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است» به این استدلال که در روایات آمده است: «هر علم و پرچمی قبل از ظهور قائم عجله الله تعالی فرجه باطل است.»^۱ جریان حجتیه به خاطر همین برداشت غلط از مقوله انتظار - و عدم اعتقاد به انتظار فعال و لزوم حرکت سیاسی و دخالت در امور جامعه- بوجود آمد و دچار انحراف شدند.^۲

۱۴. نوع نگرش اهل سنت نسبت به مهدویت

نگاه اهل سنت به مهدویت بسیار کلی است و قابل تطبیق بر افراد فراوان است چرا که مهدی یک انسان عادی و مجتهد و دارای ویژگیهای الهی و آسمانی نمی‌باشد.^۳ لذا افراد به راحتی می‌توانند ادعای مهدوی داشته باشند. تشابه برخی از مدعیان در برخی ویژگیها با امام مهدی عجله الله تعالی فرجه نیز موجب پیدایش انحراف گردیده مانند محمد بن عبدالله تومرت که از سادات حسنی بود؛ طبق برخی روایات اهل سنت امام مهدی از سادات حسنی است و هم نام با پیامبر است و نام پدرش نیز هم نام با پدر پیامبر، یعنی عبدالله است. ابن تومرت نیز نامش محمد و نام پدرش عبدالله است. از این رو این تشابه اسمی، موجب ادعاهای او گردید.^۴

۱۵. عدم تشخیص معجزه و کرامت از امور خارق عادت

علّت گرایش بسیاری از مردم به مدعیان، دیدن برخی امور غیر متعارف و خارق عادت

۱. موسوی خمینی، صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳-۱۴.

۲. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص: ۷۹-۸۱.

۳. همان، ص: ۱۱۵.

۴. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۹۴.

می‌باشد که مردم تصور می‌کنند این امور، معجزه و کرامتی است که خدا به آنها عطا کرده است. از جمله می‌توان حسین بن منصور حلاج را نام برد که با کارهای خارق عادتش موجب جذب مردم شده بود چون اینها را کرامت و نتیجه روحانیت و معنویت او می‌پنداشتند.^۱

علت گرایش مردم به قاضی شرف الدین ابراهیم مدعی مهدویت، ادعای صدور کرامات و خوارق عادات به همراه زهد نمایی او بوده است. قائل بودند اگر دعا بر سنگریزه بخواند سنگریزه سواری جوشن پوش می‌شود.^۲

علت گرایش مردم به ملا هدایت درندی شافعی دیدن برخی خوارق عادت و شعبده از او بود که می‌پنداشتند کرامت است و اهالی دهدشت که از سادات و شافعی مذهب بودند از خروج او اظهار شادمانی می‌کردند و مهمانی راه می‌انداختند.^۳

۱۶. تأویل گرایی

تأویل گرایی منجر به توقیت و یا تطبیق و انحرافات دیگر می‌شود که خود عاملی برای پیدایش جریانات انحرافی می‌باشد. در بسیاری از جریانهای انحرافی نوعی تأویل گرایی دیده می‌شود، ظاهر برخی نصوص را بر اساس اهداف خود تأویل می‌کنند از جمله فرقه‌ی یمانی (احمد بصری) پرچم حضرت را به حاکمیت خداوند، سلاح را به علم تأویل می‌کنند.^۴ یا برزنجی صیحه آسمانی را به رادیو و اشراق زمین را به نور پروردگار در زمان ظهور را به اختراع برق تأویل می‌کرد.^۵ شخص دیگر، فضل الله حروفی است که سخت گرفتار تأویل بوده و متهم شد که فروعات فقهی را حذف کرده است. و سال ظهور مهدی را از زمان هجرت پیامبر به اندازه حروف بسم الله می‌دانست.^۶ مورد دیگر در تطبیق شاه

۱. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۲۵۷.

۲. همان، ص: ۹۷.

۳. همان، ص: ۱۷۸.

۴. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، صص: ۲۸۴-۲۹۰.

۵. همان، ص: ۲۱۴.

۶. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۱۰۷.

طهماسب به دولت آخرالزمانی و مقدمه ظهور است که بسیار زیاد از علم حروف استفاده شده از جمله اینکه تاریخ جلوس همایون با عدد لفظ آخرالزمان موافق است.^۱

۱۷. رجوع مردم به افراد غیر متخصص و کم ظرفیت

در جریان انحرافی محمود عرفانیان به جهت گرایش مردم به ایشان جهت کلاس های دینی و یا تعبیر خواب و گرفتن ذکرهای خاص جهت برطرف شدن مشکلات موجب شد، ادعای ارتباط با حضرت و دارا بودن چشم برزخی را نیز مطرح سازد و عده‌ای را فریب دهد.^۲

۱۸. عدم شناخت مبانی و معیارهای فقهی و اصولی

مدعیان برای اثبات خود به چیزهایی استناد می‌کنند که از نظر شرع و مبانی فقهی و اصولی، حجیت ندارند و چون پیروان نسبت به این مسأله شناخت ندارند دچار انحراف می‌گردند. مانند استناد به رویا و استخاره جهت اثبات حقانیت در فرقه یمانی بصری^۳، و یا جریان عبدالوهاب بصری که پیروانش ادعاهای او را در مورد دریافت کلام معصوم در خواب را بر فتوای فقها ترجیح می‌دادند.^۴ در مورد ادعای مهدویت شخص محمد بن عبدالله قحطانی، علت اصلی این اعتقاد از سوی او و پیروانش خواب‌هایی بود که در این باره دیده می‌شد.^۵ خود قحطانی می‌گوید: اوائل که به من مهدی منتظر می‌گفتند: یک شوخی حساب می‌کردم تا این که شمار خواب‌هایی که من را به عنوان مهدی می‌دیدند زیاد شد و کم کم جدی گرفتم.^۶ فضل الله حروفی به جهت اثبات مهدویتش از خواب و این که در خواب مورد تأیید حضرت علی ع قرار گرفته استفاده می‌کرده است.^۷ عید

۱. همان، ص: ۳۰۸.

۲. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۳۵۰.

۳. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۳۰۰-۳۰۳.

۴. همان، ص: ۳۶۶.

۵. همان، ص: ۱۸۴.

۶. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۲۴۷.

۷. همان، ص: ۱۰۷.

الزهرة البديري موسى جیش المهدی دلیل کارش را دستور حضرت در خواب به تاسیس آن جریان بیان می‌کند.^۱ فراش یک مدرسه در سبزوار با استناد به روای در دهه بیست ادعا کرد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه را به خواب دیده که به او گفته تو نماینده من هستی و به مردم بگو لازم نیست نماز صبح بخوانید.^۲

۱۹. خلأ معنویت و عرفان ناب اسلامی در جامعه

یکی از عوامل ایجاد جریانات انحرافی، خلأ مباحث معنوی و عرفان اسلامی در جامعه خصوصاً معارف جذاب مهدویت است که زمینه را برای مدعیان فراهم می‌کند. مردم بخصوص قشر مذهبی علاقه زیادی به مباحث عرفانی و مهدوی دارند و چون افراد متخصص و مباحث ناب عرفانی در جامعه کم‌رنگ است مدعیان براحتی از این فضا بهره می‌برند. از جمله علی یعقوبی که با طرح مباحث عرفانی خصوصاً در زمینه مهدویت، اقشار مذهبی را به خود جذب می‌کند. وی سلسله جلسات و نیز جزواتی در زمینه به سوی ظهور و بهشت ظهور داشته و منتشر ساخته است.^۳ او هدف از طرح این مباحث را آشنایی با صحنه‌های آخرالزمان می‌داند. او یکی از صحنه‌ها را ترکیب شدن عوالم دنیا با برزخ و اداره شدن دنیا با قوانین برزخی در نزدیکی ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه می‌داند.^۴

۲۰. عدم تشخیص الهامات شیطانی از الهامات ربانی

ابن حجر در مورد ادعای مهدویت احمد بن عبدالله هاشم معروف به ملثم نوشته که در سال ۶۸۹ق گفت: خداوند را بارها ملاقات کرده و به آسمانهای هفتگانه به معراج رفته، و خدا به او گفته است که او همان مهدی است و نیز رسول الله صلی الله علیه و آله را دیده و او نیز گفته که او از نسل من و همان مهدی است.^۵

ابن تیمیه نیز می‌گوید: در روزگار ما تعدادی از مشایخ را می‌شناسم که زاهد و عابدند و

۱. همان، ص: ۲۵۷.

۲. همان، ص: ۲۶۶.

۳. حجامی، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، ص: ۳۰۶.

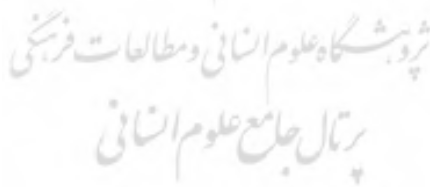
۴. همان، ص ۳۱۳.

۵. جعفریان، مهدیان دروغین، ص: ۱۰۲ به نقل از: الدرر الكامنه، ج ۱، ص ۱۸۵، ش ۴۸۲.

هر کدام بر این باورند که مهدی هستند؛ چرا که آنان بر این باورند که خدا آنان را به این نام مخاطب ساخته، در حالیکه شیطان آنان را مخاطب ساخته است. یکی از آنان احمد بن ابراهیم بوده است. به او گفته می‌شود: احمد و محمد در واقع یک اسمند، و ابراهیم خلیل نیز جدّ رسول الله ﷺ بوده، نام پدر تو نیز ابراهیم است. بدین ترتیب نام تو همنام پیامبر و نام پدر تو همنام پدر پیامبر است. بدین ترتیب مهدویت او ثابت می‌شود.^۱

۲۱. القائنات سوء اطرافیان

سید احمد بن محمد بریلوی با ادعای مهدویت و اصلاح امور در هند ظاهر شد. علت ادعاهایش، القائنات استادش شاه ولی الله دهلوی بود که سبب شد او خود را صاحب الزمان و مهدی منتظر بداند؛ کسی که باید اوضاع مسلمانان هند را اصلاح کند. وی متأثر از حرکت وهابیون بود، توانست شمار زیادی از مردم را به سوی خود جلب کند، آن چنان که مهدویت او را بپذیرند. کار او نشر تفکر وهابیت در هند تحت پوشش جریان اصلاحی و مهدویت بود.^۲



۱. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۱۰۲ به نقل از: *منهاج السنه*، ج ۴، ص ۲۱۱.

۲. جعفریان، *مهدیان دروغین*، ص: ۲۲۵-۲۲۶.

جمع‌بندی

در جمع‌بندی آنچه گذشت، باید گفت: جریانات انحرافی در خلأ و فقر فرهنگی ظهور و بروز دارند و ریشه عمده انحرافات، جهل و عدم شناخت کافی از مبانی دینی و رجوع به طاغوت‌ها و خواص و دانشمندان جور است، از این رو راهکار پیشگیری و درمان همان است که در حدیث ثقلین آمده است و آن رجوع به منبع اصیل معرفتی یعنی قرآن کریم و نیز رجوع به مفسر و مجری آن یعنی عترت رسول اسلام صلی الله علیه و آله است. و در عصر غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه وظیفه عمومی مسلمانان جهت مصونیت خود از گمراهی و غرق شدن در گرداب جریانات انحرافی، رجوع به فقها و کارشناسان دینی و افزایش معرفت دینی از طریق آنان خصوصاً در زمینه مهدویت است. از این رو ضرورت دارد که بطور خاص در زمینه مهدویت اولاً دانشمندان و کارشناسان خبره تربیت شوند، ثانیاً معارف مهدوی، غنی سازی و بروز رسانی شوند، خصوصاً در مواجهه با جریانات انحرافی، ثالثاً آموزش معارف مهدوی در جامعه فراگیر و همگانی شود تا زمینه پیدایش جریانات انحرافی در جامعه بطور کامل ریشه‌کن شود و از بین برود.

کتابنامه

*قرآن کریم

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم، الغیبة للنعمانی، تهران، چاپ: اول، ۱۳۹۷ق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق.
۳. ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، تاریخ ابن خلدون، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
۴. اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، ۱جلد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۸ ه.ش.
۵. جعفریان رسول، مهدیان دروغین، انتشارات علم، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.
۶. حجامی، حسین، شناخت، بررسی و نقد کلامی جریانهای انحرافی مهدویت، پژوهشکده مهدویت و آینده پژوهی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول، تابستان ۱۳۹۵ش.
۷. حیدری آل کثیری، محسن، بررسی جریان جدید مدعی یمانی (احمدالحسن)، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۳۴، سال یازدهم، بهار ۱۳۹۰ش.
۸. سبحانی جعفر، فرهنگ عقائد و مذاهب اسلامی، ۵جلدی، موسسه امام صادق علیه السلام، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۰ش.
۹. طوسی، محمد بن الحسن، الغیبة (للطوسی)، ایران: قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ق.
۱۰. عرفان، امیرمحسن، قبیله تزویر: بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان، موسسه بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه، قم، چاپ: ۱، سال ۱۳۹۲ش.
۱۱. عرفان، امیرمحسن، بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان، فصلنامه انتظار موعود، سال نهم، شماره ۳۰، پائیز ۱۳۸۸ش.
۱۲. قاضی نعمان، ابی حنیفه نعمان بن محمد، افتتاح الدعوة، تحقیق فرحات الدشراوی، تونس، الشركة التونسية، بی تا.
۱۳. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ق.
۱۵. موسوی خمینی روح الله، صحیفه امام، ۲۱جلدی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی،

چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸.

۱۶. نصوری، محمد رضا، **متمهدیان و مهدیان دروغین**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۸ و ۹، سال سوم، تابستان و پائیز ۱۳۸۲ش.

۱۷. نصوری، محمد رضا، **متمهدیان و مهدیان دروغین**، فصلنامه انتظار موعود، شماره ۱۰، سال سوم، زمستان ۱۳۸۲ش.

۱۸. نقی‌پور، طیبه - سلیمیان، خدامراد، **بازخوانی عوامل پیدایش و انحطاط انشعابات انحرافی شیعه در غیبت صغرا**، فصلنامه انتظار موعود، سال سیزدهم، شماره ۴۲، پائیز ۱۳۹۲ش.

